



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www.Ghaemiyeh.com  
www.Ghaemiyeh.org  
www.Ghaemiyeh.net  
www.Ghaemiyeh.ir

پاک نهادین دیرین

حضرت زہیر بن القین



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پاک نهادین دیرین حضرت زهیر بن القین

نویسنده:

حیدر تربتی کربلایی

ناشر چاپی:

عطر عترة

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	پاک نهادین دیرین حضرت زهیر بن القین
۶	مشخصات کتاب
۶	زهیر
۷	جناب زهیر بن القین سلام الله علیه
۸	نقطه آغاز...
۸	اما آنچه نقل شده است
۹	عززه بن قیس کیست؟
۱۱	چرا عززه، جناب زهیر را به عثمانی بودن متهم کرد؟
۱۴	معنای عثمانی چیست؟
۱۵	تدبیر سیدالشهداء علیه السلام
۱۷	زهیر در نزد سیدالشهداء علیه السلام
۲۶	مواقف زهیر
۳۱	آخرین بار...
۳۲	باران راستین با ویژگی هایی مخصوص
۳۴	نتیجه
۳۶	درباره مرکز

## پاک نهادین دیرین حضرت زهیر بن القین

## مشخصات کتاب

سرشناسه : تربتی کربلایی، حیدر، ۱۳۳۸ -

عنوان و نام پدیدآور : پاک نهادین دیرین حضرت زهیر بن القین / حیدر تربتی کربلایی.

مشخصات نشر : قم : عطر عترت، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۳۰۴ص.

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : شخصیت ها - اصحاب

شناسه افزوده : تربتی، محدثه، ۱۳۶۸ -

ص: ۱

## زهیر

ص: ۱

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرِينَ مِنَ الدَّنَسِ

پاک نهاد دیرین

حضرت زهیر بن القین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين

و لعنه الله على أعدائهم أجمعين

یکی از تهمت هایی که علیه جناب زهیر بن القین سلام الله علیه، بر روی منبرها و گاه در میان

نوشته‌ها، در شبکه‌های ماهواره‌ای و بعضاً از لسان علما بیان شده و می‌شود «نسبت دادن عثمانی بودن ایشان، پیش از ملاقات با امام حسین علیه السلام» و نیز «اکراه ایشان در ملاقات با سیدالشهداء علیه السلام» است. بسیار جای تأسف است که این قبیل کوتاهی‌ها، بلکه بی‌حرمتی‌ها نسبت به ساحت قدسی یاران ائمه اطهار علیهم السلام، مطرح شده و می‌شود.

ناگفته نماند که این مسأله در زمره اعتقادات قرار داشته و از فروع اصل امامت است و چنان چه می‌دانیم در اصول دین، تقلید جایز نیست بلکه هر کس موظف است تحقیق نموده و براساس دلیل، اعتقاد خویش را شکل دهد. بنابراین سخنی که مستدل نباشد، در این موضع جایگاهی ندارد.

### جناب زهیر بن القین سلام الله علیه

زهیر بن القین الأنماری البجلی یکی از سرداران سپاه سیدالشهداء علیه السلام است. ایشان از منطقه بجیله در جنوب یمن، از بنوأنمار و در شمار قحطانی‌ها است و در کربلا، حدّ اقل ۵۵ سال داشته است. (۱)

او در فتح منطقه بلنجر (۲) حضور داشته و سلمان در جریان همین جنگ، با او ملاقات نموده و وی را به شرکت در واقعه عاشورا بشارت می‌دهد. همچنین در همان سال، شاهد ازدواج حضرات ام البنین و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما بوده است.

جناب زهیر، مردی عاقل و حاضر جواب بوده و فصاحت ویژه‌ای در بیانات او به چشم می‌خورد. ایشان در میان خاندان خویش، مردی شریف و شجاعی معروف بود لذا برخی از دشمنان وقتی به میدان می‌آمدند، او را برای مبارزه طلب می‌کردند. (۳) شجاعت او از آخرین جایگاهش هویداست:

آنجا که تنها همراه با ۱۰ تن از یارانش از خیام حرم امام علیه السلام دفاع می‌کند؛

آنجا که از رویارویی با سپاهی که ۱۰ نفر ۱۰ نفر کشته می‌شدند ولی چون تعدادشان بسیار بود، هویدا نمی‌شد، واهمه‌ای نداشت

آنجا که در میدان کارزار جان خویش را در برابر سرور خویش نهاد تا نماز بجا آورند

۱- وقتی روایات و اخبار را در کنار یکدیگر قرار دهیم، ثابت می‌شود که سن ایشان در سال ۶۱ هجری، بین ۵۵ تا ۵۶ سال بوده و این حدّ اقل قول در این باره است. البته قرائن دیگری ثابت می‌کند که سن ایشان بیش از این بوده است.

۲- شهری از بلاد روم، ترکیه امروز است، این جنگ پیش از سال ۲۵ هجری رخ داده است.

۳- بحار الأنوار: ج ۴۵ ص ۱۲.

آنجا که به تنهایی لشکر دشمن را به خود مشغول نموده و از اردوی امام دور کرد و...

همچنین از شاخصه های بسیار ارزشمند ایشان، التزام به تقیه است که شاهد آن خواهد آمد ان شاء الله.

### نقطه آغاز...

منشأ این تهمت که تمام استناد آن به تاریخ است، به یک نقل بازمی گردد: اولین و تنها کسی که نسبت عثمانی بودن به جناب زهیر بن القین داد، شخصی به نام عزره بن قیس البجلی لعنه الله است. بنابراین قول مذکور منحصر به فرد بوده و در میان روات، مورّخین، محدّثین، رجالی ها و حتی از میان دشمنان، هیچ کس دیگری چنین سخنی درباره ایشان نگفته و در هیچ کجای تاریخ، قرینه و شاهی بر عثمانی بودن ایشان پیدا نمی شود.

قدیمی ترین کتابی که این خبر را نقل نموده، تاریخ طبری (ت ۳۱۰ه) است و سایر کسانی که این نقل را آورده اند، یا معاصر وی بودند (مانند ابن اعثم کوفی، صاحب الفتوح، ت ۳۱۴ه) و یا پس از او هستند و همه اقوال به قول ایشان بازمی گردد. بنابراین یک روایت بیشتر نیست؛

### اما آنچه نقل شده است

عصر روز تاسوعا، پس از اینکه نامه ابن زیاد توسط شمر به دست عمر سعد لعنهم الله رسید، سپاه دشمن به سوی اردوی اباعبدالله علیه السلام حرکت می کند... امام حسین علیه السلام، ۲۰ سوار را به فرماندهی قمر بنی هاشم روانه ساختند تا قصد دشمن را جویا شوند، زهیر بن القین و حبیب بن مظاهر نیز در شمار این سواران هستند... یاران امام، ایستاده و افراد دشمن را مورد خطاب قرار می دهند:...

زهیر (خطاب به عزره بن قیس) فرمود:

یا عزره، انّ الله قد زكّاه و هداها، فاتق الله يا عزره فاني لك من الناصحين، انشذك الله يا عزره ان تكون ممن يعين الضمّال على قتل النفوس الزّكية!

ای عزره، همانا خداوند او را پاک کرده و هدایت نموده است، بنابراین از خدا بترس ای عزره که من پنددهنده ای برای تو هستم. تو را به خدا سوگند می دهم ای عزره (مبادا) از کسانی باشی که گمراهان را بر کشتن جان های پاک یاری می دهند.

عزره بن قیس گفت:

یا زهیر! ما كنت عندنا من شيعة أهل هذا البيت، إنّما كنت عثمانياً!

ای زهیر، تو نزد ما از شیعیان اهل بیت پیامبر نبودی. به راستی تو عثمانی بودی.



ص: ۴

زهیر در پاسخ فرمود:

أفلس تستدل بموقفی هذا أنى منهم؟

آیا نمی بینی اکنون با ایشان هستم، و این امر به تو نمی فهماند که من در شمار یاران اهل بیت بوده و هستم؟... (۱) و (۲)

پاسخ جناب زهیر، برترین دلیل بر ردّ تهمت مذکور است زیرا اگر ایشان به واقع پیش از این عثمانی بود، باید سخن عزره را تأیید نموده و از توبه و هدایتش به راه حق پرده برمی داشت ولی جناب زهیر در کمال فصاحت و بلاغت، نه تنها برای حرف او، هیچ ارزشی قائل نشد و فرمود من عثمانی نبوده و نیستم، بلکه با استفاده از زمان حال برای بیان گذشته، به شیواترین شکل اعلام می کند من علوی بوده و هستم و در حال، چیزی را برای شما آشکار می کنم که در گذشته برایتان هویدا نبود. یعنی ایمان و کشش و نظر من، به سوی اهل بیت هدایت علیهم السّلام بوده و هست و خواهد بود. البته کلام جناب زهیر ادامه دارد و تمام فقره های آن، متضمّن اندرز و انذار است.

ضمن اینکه سکوت عزره، نشان از ردّ تهمتش بر اوست که اگر سخن دیگری بود، به یقین دشمنی به رذالت او، از بیان آن دریغ نمی کرد.

اما حتی اگر صحت روایت را بپذیریم و مناقشه ای در سند آن نداشته باشیم، از اینجا نیز نمی توان عثمانی بودن ایشان را استفاده کرد، زیرا عزره می گوید: «تو، نزد ما شیعه نبودی، بلکه تو را عثمانی می شناختیم» و این بیان، پرده از گمان شخص عزره برمی دارد و لا غیر. جناب زهیر نیز در پاسخ خود، برای وی روشن می سازد که من از ابتدا با اهل بیت بودم ولی از آنجا که جناب زهیر تقیه می کرده، اطرافیانش او را به عنوان علوی نمی شناسند، پس چنین برداشتی از رفتار ایشان طبیعی است و در ادامه بحث درباره این موضوع به تفصیل دنبال می شود.

ضمن اینکه بیان مذکور تهمتی است که عزره به جناب زهیر نسبت داد و مقصود او تخریب شخصیت جناب زهیر و جایگاه او نسبت به لشکر سیدالشّهداء علیه السّلام بود.

### عززه بن قیس کیست؟

۱- تاریخ طبری: ج ۴ ص ۳۱۵، ارشاد مفید: ج ۲ ص ۸۹-۹۰، بحار الأنوار: ج ۴۴ ص ۳۹۱. فراز مورد نظر در فتوح ابن اُعثم: ج ۵ ص ۹۷ چنین است: انک لم تکن عندنا من شیعه اهل البیت اَما کنت عثمانیاً نعرفک.

۲- بلاذری (ت ۲۷۹ه) در انساب الأشراف ج ۳ ص ۱۶۷ آورده است: قالوا: «و کان زهیر بن القین البجلی بمکه، و کان عثمانیاً... یعنی گفته اند: زهیر بن القین البجلی در مکه بود و عثمانی بود...» ناگفته نماند که نقل بلاذری، از آنجا که قولی مجهول است، به هیچ عنوان قابل اعتنا و استناد نیست.

ص: ۵

عززه بن قیس البجلی، او از خالد بن ولید لعنهما الله نقل روایت کرده و در جنگ های شام، با وی همراه بوده است. (۱) والی عمر بر «حلوان» بوده (۲) و از کسانی است که برای امام حسین علیه السّلام نامه نوشتند (۳) ولی بعد با عمر بن سعد لعنه الله همراه شد و فرماندار گروهی از سپاه او بود (۴).

شبث بن ربعی، حجار بن ابجر، یزید بن حارث، یزید بن رویم، عززه بن قیس، عمرو بن حجاج زبیدی و محمد بن عمرو تمیمی، همگی یک نامه نوشتند و زیر آن را امضا کرده، برای امام ارسال کردند. متن نامه بدین شرح است:

أما بعد، فقد اخضرّ الجناب، و أینعت الثّمار، [و طمّت الجمام]، فإذا شئت فاقدم علينا، فإنّما تقدم علی جند لك مجنّد، و السّلام

همانا باغ ها سرسبز و میوه ها رسیده پس هر گاه خواهی بیا به سوی لشکر بسیار و مجهزی که برای یاریت آماده است. و السّلام. (۵)

ناگفته نماند افرادی نظیر شبث بن ربعی و عمرو بن حجاج چندان پستی و پلیدی را تمام نموده اند که نیازی به معرفی ندارند. دقت کنیم که عززه، با چه کسانی دست در دست است.

دقت در متن نامه برای تبیین شدّت دنیاپرستی اینان کافیت و نیازی به اطاله کلام در این موضع نیست. البته مرور نامه های شیعیان راستین (۶) نیز موجب می شود هر چه بهتر به عمق دنائت اینان پی ببریم وقتی سخن آنان، دعوت از ولیّ معصوم به منظور سعادت دین و دنیا و آخرت است و سخن اینان...

بنابراین عززه بن قیس، دنیاپرستی است که با حکومت جور همراه و هم دست بوده است. او در کربلا سردار سپاه عمر بن سعد بود (۷) بلکه از نخستین کسانی بود که با عمر بن سعد همراه شد (۸) و نیز

۱- طبقات کبری: ج ۶ ص ۲۱۲.

۲- تاریخ دمشق: ج ۴۰ ص ۳۰۹ رقم ۴۶۹۵.

۳- تاریخ طبری: ج ۴ ص ۳۱۰، روضه الواعظین: ص ۱۸۱، ارشاد مفید: ج ۲ ص ۸۴، إعلام الوری: ج ۱ ص ۴۵۱ و...

۴- مستدرکات علم رجال الحدیث: ج ۵ ص ۲۳۴ رقم ۹۳۷۵.

۵- تاریخ طبری: ج ۴ ص ۲۶۲، ارشاد مفید: ج ۲ ص ۳۸.

۶- رجوع کنید به تاریخ طبری: ج ۴ ص ۲۶۱.

۷- تاریخ طبری: ج ۴ ص ۳۲۰، مشیر الأحران: ص ۳۹. الکامل فی التّاریخ: ج ۴ ص ۶۰.

۸- از آنجا که عمر بن سعد در نخستین روز اقامتش در کربلا او را مأمور رویارویی با امام علیه السّلام قرار می دهد معلوم است که وی از ابتدا با عمر بن سعد لعنهما الله همراه بوده است.

ص: ۶

در شب عاشورا، مأمور بود تا با گروهی از سپاهیان عمر بن سعد، خیمه گاه امام را در حلقه محاصره نگاه دارد. (۱) در روز عاشورا نیز... (۲)

با این اوصاف، خود عزره است که مصداق بارز «عثمانی» است.

### چرا عزره، جناب زهیر را به عثمانی بودن متهم کرد؟

با توجه به آنچه درباره عزره خواندیم، به خوبی می توان دریافت که بیان عزره، تهمتی کثیف و نیرنگی تباه است که تنها از کسی چون او سر می زند و بررسی چرایی آن، می تواند هرچه بیشتر تهمت بودنش را آشکار سازد:

یکم) تقیه. از آنجا که جناب زهیر، به شدت ملتزم به تقیه بود، طبیعی است فامیل ها یا همراهان و آشنایان ایشان، شیعه بودن وی را درک نکرده بلکه او را از خودشان به شمار آورند.

امام حسین علیه السلام روز ۸ ذی الحجه مکه را ترک کرده و ۲ محرم الحرام به کربلا رسیدند، یعنی فاصله میان مکه تا کربلا را در ۲۴ روز طی نمودند و روایات حکایت می کند که امام حسین علیه السلام با سرعت حرکت می کردند؛

از طرفی بنابر تصریح تاریخ، جناب زهیر در سال ۶۰ هجری، همراه با پسرعمو و فامیلش در مکه بوده و حج بجا آورده است (۳) اگر زهیر می خواست فرار کند، برایش بسیار راحت بود زیرا هرچقدر هم زود از مکه بیرون آمده باشد، روز ۱۳ ذی الحجه بوده، این یعنی ۵ روز دیرتر و این مقدار، زمان کمی نیست، زهیر هم تنها نیست کاروانی همراه او هستند. کسی که صلح طلب است و می خواهد از رویارویی با امام فرار کند، آهسته حرکت می کند. کسی که از امام حسین فرار می کند، با کدام عقلی جور است که این ۵ روز مسافت را طی کند و سریع خود را به امام برساند سپس هر کجا امام را

۱- البدایه و النهایه: ج ۸ ص ۱۹۲، تاریخ طبری: ج ۴ ص ۳۲۱.

۲- رجوع کنید به تاریخ طبری: ج ۴ ص ۳۳۲.

۳- أنساب الأشراف: ج ۳ ص ۱۶-۱۶۸، ۲۲۵، الأخبار الطوال: ۲۴۶، تاریخ طبری: ج ۵ ص ۳۹۲ و ص ۳۹۶-۳۹۷، البدایه و النهایه: ج ۸ ص ۱۷۰، نفس المهموم: ص ۱۸۰-۱۸۲ أعیان الشیعه: ج ۱ ص ۵۹۴-۵۹۵، ارشاد مفید: ج ۲ ص ۷۳-۷۴، بحار الأنوار: ج ۴۴ ص ۳۷۱-۳۷۲، اسرار الشهادة: ص ۲۴۹، روضه الواعظین: ص ۱۵۳، مثير الأحزان: ص ۳۸-۳۹، الكامل فی التاریخ: ج ۳ ص ۲۷۷-۲۷۸، اللّهوف: ص ۷۱-۷۳، معالی السبطين: ج ۱ ص ۳۸۱.

ص: ۷

می بیند، خیمه اش را دور کند؟ اگر اکراه داشت با امام حسین علیه السّلام برخورد کند، چرا هر جا امام منزل می کردند، او هم منزل می کرد؟

وقتی زهیر همراه با کاروان خودش، حج بجا آورد، ۵ روز دیرتر از مکه بیرون آمد و نه اینکه از امام فرار کرده باشد، نه، بلکه چنان چه در تاریخ مسطور است با سرعت خود را به امام رسانده (۱)، و خودش و پسرعمویش، همراه با امام حسین در کربلا شهید می شوند. (۲)

بنابراین جناب زهیر در سال ۶۰ هجری، حج بجا آورده و به سرعت خود را به امام نزدیک کرد، اما تقیه موجب شد تا کمی دورتر خیمه زده و منتظر امر امام باشد. زیرا همراهان ایشان عثمانی بودند. چنان چه در تاریخ به نقل از یکی از همراهان ایشان آمده است:

كُنَّا مَعَ زَهْرِبْنَ الْقَيْنِ الْبَجَلِيِّ حِينَ أَقْبَلْنَا مِنْ مَكَّةَ نَسَائِرَ الْحُسَيْنِ، فَلَمْ يَكُنْ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَيْنَا مِنْ أَنْ نَسَائِرَهُ فِي مَنْزِلٍ، فَإِذَا سَارَ الْحُسَيْنُ تَخَلَّفَ زَهْرِبْنَ الْقَيْنِ، وَإِذَا نَزَلَ الْحُسَيْنِ، تَقَدَّمَ زَهْرِبُ، حَتَّى نَزَلْنَا يَوْمَئِذٍ فِي مَنْزِلٍ لَمْ نَجِدْ بَدًّا مِنْ أَنْ نَنَازِلَهُ فِيهِ، فَتَزَلَّ الْحُسَيْنُ فِي جَانِبِ، وَنَزَلْنَا فِي جَانِبِ، فَبَيْنَا نَحْنُ جُلُوسٌ نَتَغَدَّى مِنْ طَعَامٍ لَنَا، إِذْ أَقْبَلَ رَسُولَ الْحُسَيْنِ حَتَّى سَلَّمَ، ثُمَّ دَخَلَ فَقَالَ: يَا زَهْرِبْنَ الْقَيْنِ، إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بَعَثَنِي إِلَيْكَ لِتَأْتِيَهُ. قَالَ: فَطَرَحَ كُلَّ إِنْسَانٍ مَا فِي يَدِهِ حَتَّى كَانْنَا عَلَى رُؤُوسِنَا الطَّيْرَ [كِرَاهَهُ أَنْ يَذْهَبَ زَهْرِبُ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] (۳). (۴)

همراه با زهیر بن القین بجلی بودیم که از مکه در آمدیم و با حسین به یک راه بودیم؛ اما خوش نداشتیم که با وی به یک منزل گاه باشیم. وقتی حسین روان بود، زهیر بن قین به جای می ماند و چون حسین منزل می کرد، زهیر پیش می رفت، تا به منزل گاهی رسیدیم که به

۱- - أنساب الأشراف: ج ۳ ص ۱۶-۱۶۸، ۲۲۵: فانصرف من مكة متعجلاً. معجم ما استعجم، بکری آندلسی (ت ۵۴۸۷): ج ۱ ص ۲۷۶

در ماده بلنجر پس از نقل قضیه بلنجر: فلما سمع زهیر بخروج الحسين بن علي عليهما السلام تلقاه، فكان في جملته و قتل معه بكر بلاء.

۲- ر.ك: إِبْصَارُ الْعَيْنِ: ص ۱۶۹ أنصار الحسين عليه السّلام، محمدمهدی شمس الدّین: ص ۱۱۸ رقم ۱۰. معجم رجال الحدیث: ج ۹

ص ۱۹۳ رقم ۵۳۴۳. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج ۴ ص ۱۰۵ رقم ۶۴۱۸. أعيان الشّيعی: ج ۷ ص ۲۸۸ رقم ۹۷۲. کربلاء الثّوره و

المأساه، احمد حسين يعقوب: ص ۳۲۳.

۳- در اعيان الشّيعه و لواعج الأشجان.

۴- تاریخ طبری: ج ۵ ص ۳۹۶-۳۹۷، نفس المهموم: ص ۱۸۰-۱۸۲، أعيان الشّيعه: ج ۱ ص ۵۹۴-۵۹۵، لواعج الأشجان: ص ۸۱-۸۳.

ص: ۸

ناچار می باید با وی به یک جا باشیم و حسین به سویی فرود آمد، ما نیز به سویی فرود آمدیم. نشسته بودیم و از غذایی که داشتیم، می خوردیم که فرستاده حسین آمده و سلام گفت و وارد شد و گفت: «ای زهیر بن القین، همانا اباعبدالله، حسین بن علی، مرا به سوی تو فرستاده تا نزد ایشان بیایی». (راوی) گوید: هر کس هر چه به دست داشت، رها کرد. گویی پرنده بر سرمان نشسته بود (کنایه از ترس و حیرت) [و این به جهت ناخوش داشتن رفتن زهیر به سوی حسین علیه السلام بود].

و در اعیان الشیعه اضافه بر آن، نقل می کند که راوی گفت:

فطرح کلّ إنسان ما فی یده حتّی کأنّ علی رؤوسنا الطّیر کراهه أن یدهب زهیر إلی الحسین فإنّهم کانوا عثمانیة ینیغضون الحسین وأباه.

هریک، آنچه در دست داشت رها کرد، گویی روی سرهایمان پرنده بود (کنایه از ترس و حیرت) و آن به جهت ناخوش داشتن دیدار زهیر با امام حسین بود، زیرا آنان عثمانی بودند و از حسین و پدرش کینه داشتند.

بنابراین همراهان زهیر عثمانی بودند و از طرف دیگر، می دانستند که او عثمانی نیست و کینه ای از امام در قلب خویش ندارد و به همین جهت رفتن زهیر برایشان ناخوشایند بود. و چنان چه می بینیم امام علیه السلام نیز بالخصوص در پی شخص زهیر فرستاده و تنها او را احضار نمودند و این نشانی دیگر از توجه ویژه امام و برگزیده شدن جناب زهیر است.

بنابراین جناب زهیر از ابتدا حسینی بود اما از همراهانش حتی از فامیل خود تقیه می کرد، زمانی که امام حسین علیه السلام او را احضار فرمودند، تقیه نیز تمام می شود و آشکارا به اردوی امام می پیوندد. بنابراین به لحاظ اینکه جناب زهیر تقیه می فرمود، عزره می توانست به راحتی ایشان را متهم به عثمانی بودن نماید چنان چه حضرت ابوطالب علیه السلام شدیدالتقیه بودند و بسیاری نعوذ بالله ایشان را به شرک و بت پرستی متهم کردند.

دوم) این تهمت به قصد تخریب شخصیت جناب زهیر، برای پایین آوردن بلکه از بین بردن مکان رفیع و درجه عظیم ایشان، بیان شده است. عزره می خواست با این تهمت در میان اصحاب امام حسین علیه السلام پریشانی ایجاد کند و یاران و به خصوص استوانه های لشکر سیدالشهداء را در چشم بقیه بشکند و انسان های منافق و گمراه جلوه دهد. همان طور که ابن زیاد به مسلم بن عقیل

تهمت زد تا مقام و منزلت رفیع او را انکار نموده و او را از چشم دیگران بیاندازد.

اصلاً برنامه دستگاہ باطل و به خصوص امویان، بر پایه تخریب جبهه حق بود. سبک و مسلک بنی امیه تخریب اهل بیت و یاران اهل بیت بود و این امری بدیع و نادر نیست، معاویه لعنه الله چنان کرد که وقتی امیرالمؤمنین در مسجد، در حال نماز مورد ضربه شمشیر ابن ملجم لعین قرار گرفت و خبر به مردم شهرهای شام رسید، می گفتند: مگر علی نماز می خواند؟ به مسجد می رفت؟

عززه با بیان این حرف، درصدد تخریب ساحت مقدس زهیر است. اگر بخواهیم این حرف را که تهمت یکی از امویان است درباره زهیر بپذیریم، باید تهمت ابن زیاد را نسبت به ساحت پاک مسلم بن عقیل سلام الله علیه بپذیریم، ابن زیاد ملعون چندین بار به حضرت مسلم جسارت کرد و تهمت فاسق بودن و شراب خوار بودن بر ایشان بار کرد (۱)، آیا باید این نسبت را بپذیریم؟...

از سوی دیگر، عززه لعنه الله از فرماندهان جیش اموی است و اخلاق آنان چنین بود که طرف مقابل خود را سب کنند، اما نمی توانست بگوید تو فاسقی تو شراب خواری، چرا؟ چون زهیر در باتقوا بودن مؤمن بودن محدث بودن قاری بودن شجاع بودن شهره و معروف بود. لذا عذر هیچ سب دیگری پیدا نکرد مگر این که بگوید تو که عثمانی بودی، از آنها نبودی، چی شد این جور شدی؟

جناب مسلم بن عقیل، کوفه نبود بلکه در مدینه بود. ابن زیاد ملعون، در کوفه ایشان را متهم کرد. اطرافیان ابن زیاد، مسلم بن عقیل را نمی شناختند و ابن زیاد می توانست به راحتی آنان را فریب دهد چون آنها نمی دانستند ایشان در مدینه چه می کرده، اما در کربلا، کوفیان به جنگ امام حسین آمدند و همه زهیر را می شناختند و می دانستند که او اهل فساد نیست، بنابراین عززه نمی توانست هر تهمتی به ایشان بزند و تنها سب و توهینی که به نظر او رسید، این بود که زهیر را عثمانی معرفی کند. این تنها راه برای او به منظور تهمت زدن به زهیر بود.

بنابراین حتی اگر فرض کنیم روایت درست باشد، باز هم این تنها یک تهمت است که از جانب دشمنان به یکی از سرداران لشکر سیدالشهداء علیه السلام وارد شده و بدون درایت در لسان و صدور جای گرفته است و به هیچ عنوان مدرکی دال بر عثمانی بودن جناب زهیر نیست.

### معنای عثمانی چیست؟

۱- الفتوح: ج ۵ ص ۵۶، مثيرالأحزان: ص ۲۵، تاریخ طبری ج ۵ ص ۳۷۵-۳۷۸. ارشاد مفید: ج ۲ ص ۶۴، روضه الواعظین: ص ۱۵۱-۱۵۲

و... .

ص: ۱۰

عبارت «عثمانی» به گروهی اطلاق می شود که به مظلومیت عثمان باور دارند و معتقدند که او، مظلوم به شهادت رسیده است!!! و از آن سو نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام پر از کینه و دشمنی هستند (۱) زیرا معتقدند امام علیه السلام، در کشته شدن عثمان دست داشته و از او و نیز فرزندانش، خون خواهی عثمان می شود.

آنان بنی امیه را بر بنی هاشم مقدم داشتند تا جایی که می گفتند: شام از مدینه بهتر است. (۲)

تعبیر عثمانی برای کسانی به کار رفته است که حداقل بنی امیه را درباره ادعای مظلومیت عثمان، تأیید کرده و بر همین اساس با امیرالمؤمنین علی علیه السلام دشمن بودند. ناگفته نماند که افرادی براساس همین عقیده، تا برپایی جنگ های جمل و صفین، پیش رفتند که در این صورت، تعبیر عثمانی به طور کامل بر آنان اطلاق می شود.

شاخصه های عثمانیان: دنیادوستی، پول پرستی، فاقد بودن وجهه اجتماعی، اقدام به جرم و جنایت، پیروی از سلطان ظالم، غرق شدن در شهوات و لذات و رذائل، از ویژگی های بارز آنان است.

اکنون که معنای واژه عثمانی را دانستیم، به خوبی درک می کنیم که نسبت عثمانی، زشت ترین تهمت و ناسزایی بود که می توانست زهیر را در تمام جهات، در مظان اتهام قرار دهد و اول از همه، ایمان او را انکار کند و عزره لعنه الله نیز که یکی از فرماندهان لشکر دشمن است، به خوبی از معنای این نسبت و تأثیر آن آگاه بود و به همین منظور آن را بیان کرد اما این کار او، بی پاسخ نماند:

### تدبیر سیدالشهداء علیه السلام

امام حسین علیه السلام برای خنثی نمودن این خدعه دشمن، چند مأموریت خاص به جناب زهیر داد تا خلاف این تهمت بر همگان ثابت شود:

اول: ایشان را فرمانده و پرچم دار میمنه (سمت راست) سپاه خود قرار دادند و روایات بر این امر تصریح دارد (۳) و ۲۰ تن از سواران دلیر سپاه امام حسین علیه السلام، تحت فرمان زهیر هستند. پیامبر خدا و امیرالمؤمنین، کسانی را در میمنه لشکر خود قرار می دادند که شجاع ترین ها باشند. روشن است که فرماندهان سپاه از دلیران ماهر در فنون جنگ انتخاب می شوند و کسی مسئولیت

۱- فتح الباری: ج ۷ ص ۱۴، تحفه الأحوذی: ج ۱۰ ص ۱۳۹.

۲- الأغانی: ج ۱۶ ص ۲۳۳.

۳- رجوع کنید به ارشاد مفید: ج ۲ ص ۱۰۲، اعلام الوری: ص ۲۴۳ فصل ۴، بحار الأنوار: ج ۴۵ ص ۱۳ بقیه الباب ۳۷.

ص: ۱۱

پرچم داری سپاه را عهده دار می شود که کم ترین احتمال لغزش و اشتباه از او برود. فرمانده و پرچم دار، ارکان سپاه هستند و در لشکر سیدالشهداء علیه السلام، با توجه به کمیت و کیفیت لشکر دشمن، چنین فردی باید ایمانی راستین و راسخ داشته باشد تا بتواند چنین امر خطیری را به انجام برساند.

دوم: حبیب بن مظاهر و زهیر بن القین، فرمانداران میسره و میمنه لشکر سیدالشهداء هستند، بنابراین حفظ حرم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیز بر عهده ایشان است، گذشته از اینکه این امتیاز و شرافت و مأموریت به طور خاص برای جناب زهیر در تاریخ ذکر شده است. (۱) اگر جناب زهیر عثمانی بوده و اکنون برگشته، قطعاً چنین جایگاهی به این سرعت نصیب او نمی شود.

سوم: ایشان تنها کسی است که پیوسته ملازم امام بوده است. در روایات آمده که زهیر در مواقف مختلف در مقابل امام حسین علیه السلام قرار داشت و همه جا خود را سپر جان امام قرار می داد چه در نماز چه قبل و بعد آن و در چندین موقف حساس، خود را در معرض دشمن قرار داده و بسیاری از دشمن را کشته و شر آنان را دفع کرده است:

هنگامی که از پیش روی کاروان امام علیه السلام جلوگیری می شود، زهیر در نزدیکی امام علیه السلام است و با امام سخن می گوید:

إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَرَاهُ يَكُونُ بَعْدَ هَذَا الَّذِي تَرَوْنَ إِلَّا أَشَدَّ مِمَّا تَرَوْنَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ قِتَالَ هَؤُلَاءِ السَّاعَةِ أَهْوَنُ عَلَيْنَا مِنْ قِتَالِ مَنْ يَأْتِينَا بَعْدَهُمْ فَلَعْمَرَى لِيَأْتِينَا بَعْدَهُمْ مَا لَا قِبَلَ لَنَا بِهِ.

به خدا ای فرزند پیامبر خدا من می بینم که کار پس از اینکه اکنون می بینید سخت تر باشد، همانا اکنون جنگیدن با این گروه برای ما آسان تر است از جنگیدن با کسانی که پس از این نزد ما خواهند آمد. به جان خودم سوگند پس از این لشکری به سوی ما آید که ما برابری آنان نتوانیم. (۲)

وقتی پیک از جانب عمر سعد لعنه الله می آید، زهیر، جلو ایستاده و او را ملزم به زمین نهادن اسلحه اش می کند و چون وی چنان نمی کند، از دیدار او با امام جلوگیری می نماید. (۳) بنابراین زهیر

۱- تاریخ طبری: ج ۳ ص ۳۲۶ إِبْصَارُ الْعَيْنِ: ص ۱۸۲. ارشاد مفید: ج ۲ ص ۱۰۴-۱۰۵. بحار الأنوار: ج ۴۵ ص ۲۰-۲۱.

۲- تاریخ طبری: ج ۳ ص ۳۱۰. ارشاد مفید ج ۲ ص ۸۴. روضه الواعظین: ص ۱۸۰، إِبْصَارُ الْعَيْنِ: ۱۷۸. بحار الأنوار: ج ۳۳ ص ۲۸۰. ر.ك: الفتوح ج ۵ ص ۸۰-۸۱.

۳- معالی السبطين: ج ۱ ص ۳۰۹، الإمام الحسين عليه السلام و أصحابه: ج ۱ ص ۱۲۴. در سایر مصادر مانند تاریخ طبری و مقتل الحسين خوارزمی و غیر آن آمده است کسی که از ورود دشمن جلوگیری نمود، ابو ثمامه صیداوی است.



ص: ۱۲

همواره در فاصله ای بسیار کم نسبت به امام قرار دارد و به خصوص، مسئول حفظ جان امام علیه السلام است. گذشته از اینکه کسب چنین مرتبه ای از قرب نشان از گذشته ای سراسر قرب و معرفت دارد، نشان می دهد که اگر ایشان قبلاً عثمانی بود، تا این حد مورد اطمینان واقع نمی شد.

همچنین زهیر بن القین به همراه سعید بن عبدالله حنفی، ظهر عاشورا جان خویش را سپر امام قرار دادند تا امام نماز خوف به جا آورد و این امتیازی است که تنها نصیب این دو یار وفادار و راستین سیدالشهداء علیه السلام شده است. (۱)

چهارم: در روایتی دیگر، امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، درباره آنچه فردا رخ می دهد، سخن می گویند:

وَيَسْأَلُنِي زُهَيْرُ بْنُ الْقَيْنِ وَ حَبِيبُ بْنُ مُظَاهِرٍ عَنْ عَلِيٍّ فَيَقُولَانِ يَا سَيِّدَنَا، عَلِيُّ إِلَى مَا يَكُونُ مِنْ حَالِهِ فَأَقُولُ مُسْتَعْبِرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَقْطَعَ نَسْلِي مِنَ الدُّنْيَا وَ كَيْفَ يَصِلُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ أَبُو ثَمَانِيَةِ أُمَّهُ

و زهیر بن القین و حبیب بن مظاهر (در روز عاشورا) از من درباره علی (یعنی امام سجاد) پرسیده، می گویند: ای سرور ما، «علی»، عاقبت ایشان چیست؟ گریان می گویم: چنین نیست که خداوند نسل مرا از دنیا ببرد و چگونه به (کشتن) او دست می یابند در حالی که پدر ۸ تن از امامان است؟ (۲)

گذشته از اینکه بیان مذکور، نشان گر عمق معرفت زهیر و حبیب سلام الله علیهما بوده است، نشان می دهد که ایشان، مأمور به حفظ جان امام زین العابدین علیه السلام نیز هستند زیرا در حمله ای که در روز عاشورا به پشت خیمه ها شد، می خواستند همه ذریه رسول الله، من جمله امام سجاد را بکشند و امام حسین علیه السلام بدین وسیله به ایشان می فهماند که امام زین العابدین، باید زنده بماند. حال، کسی که قبلاً عثمانی بوده، این قدر مورد وثوق است که مأمور حفظ جان امام بعدی هم باشد؟

### زهیر در نزد سیدالشهداء علیه السلام

حضرت زهیر از کسانی است که در کربلا و در روز عاشورا خطبه خوانده و لشکر دشمن را نصیحت کرد و این یکی از مقاماتی که تنها مؤمن می تواند کسب کند: مقام وعظ و نصیحت و انذار دشمن. همه یاران امام علیهم السلام چنین نکردند، بلکه تعدادی معدود هستند که از این مقام ویژه

۱- مستدرک سفینه البحار: ج ۴ ص ۳۸۳، مشیرالأحزان: ص ۴۸. ر.ک: تذکره الخواص: ص ۲۲۷.

۲- الهدایه الکبری: ص ۲۰۵ ب ۵. مدینه المعاجز: ج ۴ ص ۲۱۴-۲۱۶.

برخوردارند و البته که رخداد این امر در حضور و رکاب معصوم علیه السلام، به معنای امضای آن از جانب امام بوده است.

بنابر آنچه در تاریخ مسطور است، جناب زهیر سلاح بر خود حمل نمود و برای موعظه راهی شد، بنابراین کار او، خارج از اراده و اذن امام علیه السلام صورت نگرفته و مورد تأیید امام علیه السلام است، هرچند که بیان امام علیه السلام درباره او و کاری که انجام داد، امری فراتر از تأیید است:

وقتی در روز عاشورا، زهیر، سپاه دشمن را مخاطب قرار داده و نصیحت کرد، نصیحتی که هر یک از فرازهای آن، نشان از عمق ایمان و معرفتش نسبت به ساحت معصومین علیهم السلام است، زهیر در کمال فصاحت و بلاغت سخن گفت و از واژه‌های برگزیده برای انتقال مقصود خویش بهره برد. امام حسین علیه السلام نیز زهیر را به مؤمن آل فرعون تشبیه نموده، فرمودند:

أَقْبِلْ، فَلَعْمَرَى لَيْتُنْ كَانَ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ نَصَحَ لِقَوْمِهِ وَأَنْبَغَ فِي الدُّعَاءِ، لَقَدْ نَصَحْتَ لِهَؤُلَاءِ وَأَنْبَغَتْ لَوْ نَفَعَ النَّصْحُ وَالْإِبْلَاحُ

بیا (رو به ما کن)، که به جانم سوگند اگر مؤمن آل فرعون، خاندان خویش را نصیحت کرده و دعوت به سوی حق را تمام نمود، به راستی تو نیز اینان را اندرز دادی و پیام الهی را رساندی اگر اندرز و پیام رسانی، سود رساند. (۱)

امام علیه السلام بدین وسیله، سبک موعظه و بلاغت وی را تأیید فرموده و بر قوت عقل ایشان مهر صحت نهاد تا جایی که برای امضای نصیحت و ابلاغ او، به جان خویش سوگند یاد می نماید و این کلام، حائز رتبه ای بسیار والاست ضمن اینکه خطاب امام، از اهتمام تمام او برای نصیحت نمودن به قصد هدایت گمراهان، پرده برمی دارد.

امام حسین علیه السلام، هم چنین پس از شهادت زهیر، بالای سر او ایستاده و قاتلان او را به قاتلان مؤمن آل فرعون تشبیه نمودند:

لَا يُبْعِدَنَّكَ اللَّهُ يَا زُهَيْرُ وَلَا عَن قَاتِلِكَ لَعَنَ الَّذِينَ مَسَّحُوا قِرْدَهُ وَخَنَازِيرَ. (۲)

بیان امام علیه السلام در کمال دقت و ظرافت است بنابراین وقتی امام علیه السلام زهیر را به مؤمن

۱- تاریخ طبری ج ۴ ص ۳۲۳ کامل فی التاریخ ج ۴ ص ۶۳ البدایه و النهایه ج ۸ ص ۱۹۴، تاریخ یعقوبی: ج ۲ ص ۲۴۴.

۲- مقتل الحسین الخوارزمی: ج ۲ ص ۲۰. تسلیه المجالس: ج ۲ ص ۲۹۵. بحار الأنوار: ج ۴۵ ص ۲۶. عوالم العلوم: ج ۱۷ ص ۲۶۹؛ الدمه الساکبه: ج ۴ ص ۳۰۶؛ أسرار الشهادة: ص ۲۹۵؛ نفس المهموم: ص ۲۷۷؛ تظلم الزهراء: ص ۱۹۱.

ص: ۱۴

آل فرعون تشبیه می فرماید، سزاوار است که این تشبیه از جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

در قرآن و روایات ویژگی های بسیاری برای مؤمن آل فرعون بیان شده که با توجه به تشبیه مذکور، همین ویژگی ها بر زهیر بن القین نیز بار می شود. قرآن کریم درباره مؤمن آل فرعون می فرماید:

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ... (۱)

و مردی مؤمن از میان فرعونیان که ایمان خویش را پوشیده می داشت، گفت: آیا مردی را به این خاطر که می گوید: پروردگار من الله است، می کشید در حالی که با نشانه از جانب پروردگارتان به سویتان آمده است... تا آخر آیه.

چنان چه می دانیم در بیان اهل بیت علیهم السلام عبارت «مؤمن» بر شیعه فرمان بردار اطلاق می شود (۲) و هرگز در معنای عثمانی به کار نرفته است. بلکه مؤمن آل فرعون، بلافاصله پس از ایمان، به تقیه توصیف و ستوده می شود، شاخصه ممتاز مؤمن آل فرعون، عمل وی به تقیه است و امام علیه السلام به وسیله این تشبیه، به ایمان زهیر شهادت داده و مهر صحت بر آن نهادند و نقشه دشمن را برای تخریب سابقه زهیر نقش بر آب فرمود زیرا تشبیه مذکور شاهد بر التزام جناب زهیر به تقیه و نیز علوی بودن وی از ابتداست.

احادیث بسیاری در باب ضرورت تقیه و فضیلت کتمان دین از ائمه اطهار علیهم صلوات الله آمده است. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

طُوبَى لِعَبْدٍ نُومَهُ عَرَفَهُ اللَّهُ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ النَّاسُ، أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى، وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ، يَنْجَلِي عَنْهُمْ كُلُّ فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ، لَيْسُوا بِالْمَذَابِيعِ الْبُذْرِ، وَ لَا بِالْجُفَاهِ الْمُرَائِنِ.

خوشا به حال بنده ای که گمنام باشد، خدا او را (به عنوان بنده مطیع خود) بشناسد ولی مردم (عبودیت) او را نشناسند. آنان چراغ های هدایت و سرچشمه های دانش هستند، به واسطه آنها هر فتنه تیره و تاری برطرف گردد، رازها را فاش نمی کنند و ناسپاس و ریاکار نیستند. (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

۱- سوره غافر آیه ۲۹.

۲- صفات مؤمن در آیات و احادیث بسیاری ذکر شده است. اجمالاً رجوع کنید به اصول کافی جلد ۲ ص ۲۲۷ خطبه همام.

۳- کافی: ج ۳ ص ۵۶۹ ب ۹۸ ح ۱۱.

ص: ۱۵

طوبیٰ لِكُلِّ عَبْدٍ نَوْمَهُ لَا يُؤْبَهُ لَهُ، يَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ، يَعْرِفُهُ اللَّهُ مِنْهُ بِرِضْوَانٍ، أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى، يَنْجَلِي عَنْهُمْ كُلُّ فَتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ، وَيُفْتَحُ لَهُمْ بَابُ كُلِّ رَحْمَةٍ، لَيْسُوا بِالْبُدْرِ الْمَدَائِعِ، وَلَا الْجُفَاهِ الْمُرَاءِينَ

خوشا به حال بنده گمنامی که به او اعتنا نشود، مردم را بشناسد ولی مردم او را نشناسند، خداوند او را به رضایتمندی وی می شناسد. آنان چراغ های هدایت هستند که هر فتنه تاریک و سختی به برکت آنها از میان می رود و درب همه رحمت ها برایشان گشوده گردد، نه پخش کننده و افشاکننده راز هستند و نه خشن (و جفاکار) ریاکار. (۱)

در احادیثی بسیار، لزوم کتمان دین و مقام والای کسانی که عامل به تقیه هستند نیز بیان شده است. امام صادق علیه السلام خطاب به سلیمان بن خالد فرمودند:

يَا سُلَيْمَانُ إِنَّكُمْ عَلَيَّ، دِينَ مَنْ كَتَمَهُ أَعَزَّهُ اللَّهُ وَمَنْ أَدَاعَهُ أَدَلَّهُ اللَّهُ.

ای سلیمان شما دینی دارید که هر کس آن را (از مخالفین و دشمنان) بپوشد، خدا عزیزش کند و هر کس آن را فاش سازد، خداوند او را خوار نماید. (۲)

همچنین فرمودند:

نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَنَا الْمُعْتَمِّمُ لِظُلْمِنَا تَسْبِيحٌ، وَ هَمُّهُ لِأَمْرِنَا عِبَادَةٌ، وَ كِتْمَانُهُ لِسِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

نفس کشیدن کسی که برای ما اندوهگین است و برای ستمی که به ما شده غمگین است، تسبیح می باشد، و همت گماشتن او برای زنده نمودن امر ما عبادت است و پنهان داشتن راز ما برای او جهاد در راه خداست. (۳)

امام باقر علیه السلام فرمودند:

خَالِطُوهُمْ بِالْبَرَايَةِ وَ خَالِفُوهُمْ بِالْجَوَائِبِ إِذَا كَانَتِ الْإِمْرَةُ صَبِيئَةً.

هر گاه فرمان روایی کودکانه باشد (یعنی بر مدار هوی و هوس باشد) در ظاهر با مردم آمیزش کنید و در باطن مخالف آنها باشید. (۴)

ابوعمر اعجمی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمودند:

يَا بَا عَمْرٍ تَسْعَةُ أَعْشَارِ الدِّينِ فِي التَّقِيَّةِ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ، وَ التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي شُرْبِ

۱- - کافی: ج ۲ ص ۲۲۵ ح ۱۲.

۲- محاسن: ج ۱ ص ۲۵۷ ب ۳۱ ح ۲۹۵. کافی: ج ۲ ص ۲۲۲ باب الكتمان... ح ۳.

۳- کافی: ج ۲ ص ۲۲۶ باب الكتمان ح ۱۶.

۴- کافی: ج ۲ ص ۲۲۰ باب التقیه ح ۲۰.



ص: ۱۷

را حفظ کردند). (۱)

و از آنجا که جناب زهیر، بسیار ملتزم به تقیه بودند، امام به وسیله این تشبیه، او را در شمار تقیه کنندگان قرار داده و اجر او را ۲ برابر اعلام می فرمایند.

مؤمن آل فرعون یکی از پیشی گیرندگان از میان تمام امت ها است، امام علیه السلام بدین وسیله، ایشان را به یکی از پیشی گیرندگان از امت ها نیز تشبیه نمودند.

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که فرمودند:

إِنَّ سُبَّاقَ الْأُمَّمِ ثَلَاثَةٌ لَمْ يَكْفُرُوا طَرْفَةَ عَيْنٍ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَصَاحِبُ يَاسِينَ وَ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ فَهُمْ الصَّادِقُونَ وَ عَلِيُّ أَفْضَلُهُمْ

به راستی پیشی گیرندگان امت ها، ۳ نفر هستند که به اندازه چشم بر هم زدنی کافر نبودند. علی بن ابی طالب و صاحب یاسین و مؤمن آل فرعون. آنان صدیقون هستند و علی برترین ایشان است. (۲)

و این تشبیه نشان می دهد که زهیر از ابتدا علوی و حسینی بوده و نه تنها اکراهی برای ملاقات با امام حسین علیه السلام نداشت، بلکه از پیشتازان به سوی نصرت امام علیه السلام است و حتی به اندازه چشم بر هم زدنی، کافر نبوده است چنان چه شاهد آن از تاریخ نیز ذکر شد.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

السَّابِقُونَ أَرْبَعَةٌ: ابْنُ آدَمَ الْمَقْتُولُ وَالسَّابِقُ فِي أُمَّةِ مُوسَى وَ هُوَ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ وَالسَّابِقُ فِي أُمَّةِ عِيسَى وَ هُوَ حَبِيبُ النَّجَّارِ وَالسَّابِقُ فِي أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

پیشی گیرندگان، ۴ نفر هستند، فرزند آدم که کشته شد، و پیشی گیرنده در میان امت موسی که مؤمن آل فرعون است و پیشی گیرنده در میان امت عیسی که حبیب نجار است و پیشی گیرنده در میان امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که علی بن ابی طالب علیهما السلام است. (۳)

در احادیث آمده است که مؤمن آل فرعون، پسر دایی فرعون بود:

۱- محاسن: ج ۱ ص ۲۵۷ ب ۳۱ باب التقیه ح ۲۹۶. کافی: ج ۲ ص ۲۱۷ باب التقیه... ح ۱.

۲- مناقب ابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۶.

۳- بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۱۵۶ ب ۳۲.

ص: ۱۸

وَأَمَّا الْحَادِي عَشَرَ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي سُورَةِ الْمُؤْمِنِينَ حِكَايَةً عَنْ قَوْلِ رَجُلٍ مُؤْمِنٍ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ: «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ...» فَكَانَ ابْنُ خَالِ فِرْعَوْنَ فَتَسَبَّ بِهِ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسَبِّهِ وَ لَمْ يُضِفْهُ إِلَيْهِ بِدِينِهِ. (۱)

قرآن کریم نسبت او را با فرعون رد نمی کند لکن او را مؤمن می نامد و ایمان او را تأیید می کند. او ایمانی قوی داشته و متزلزل نبوده است. درباره جناب زهیر بن القین نیز چنین است، فامیل او عثمانی بودند لکن امام حسین علیه السلام با تشبیه او به مؤمن آل فرعون، با وجود اینکه افراد فامیل و همراهان ایشان عثمانی بودند، ایمان او را تأیید و به این لحاظ از همراهی با فامیلش مبرا نمودند.

بنابر بیان قرآن کریم، مؤمن آل فرعون گفت:

وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

امر خویش را به خداوند واگذار نمودم، به راستی خداوند نسبت به بندگان بیناست (۲)

مقام تفویض امر به خداوند تبارک و تعالی نشان از ثبات و استحکام ایمان و بلکه یقین در قلب است و امام علیه السلام، با تشبیه زهیر به مؤمن آل فرعون، او را به ایمان و یقین تأیید شده، ستودند و بسیار بجا است که یاد شود کسی که حائز رتبه یقین این چنینی باشد، هرگز از قضای الهی فرار نمی کند و در پی گریز از ملاقات با سیدالشهداء علیه السلام نیست.

مؤمن آل فرعون، در دین خویش مفتون نشده و مورد آزمایش قرار نگرفت، امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی این آیه را تلاوت فرمودند: «فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا خَدَاوَنَدِ او (یعنی مؤمن آل فرعون) را از بدی های آنچه نیرنگ زدند، نگاه داشت». سپس فرمود:

أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ تَسَلَطُوا عَلَيْهِ وَ قَتَلُوهُ فَأَمَا مَا وَقَاهُ اللَّهُ فَوَقَاهُ اللَّهُ أَنْ يَعْتَوْ فِي دِينِهِ

به خدا سوگند بر او چیره شدند و او را کشتند، آنچه خداوند وی را از آن نگاه داشت این بود که دینش را از او بگیرند. (۳)

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری درباره تفسیر همان آیه فرمودند:

وَ اللَّهُ لَقَدْ قَطَعُوهُ إِرْبًا إِرْبًا وَ لَكِنِ وَقَاهُ اللَّهُ أَنْ يَفْتِنُوهُ فِي دِينِهِ

۱- امالی صدوق: ص ۵۳۳ مجلس ۷۹.

۲- سوره غافر آیه ۴۵.

۳- کتاب المؤمن: ص ۱۵ ب ۱ ح ۲. ر.ک: کافی: ج ۲ ص ۲۱۵ باب سلامه الدین ح ۱.



به خدا سوگند او را قطعه قطعه کردند، ولی خداوند او را از اینکه دینش را از او بگیرند، نگاه داشت. (۱)

و امام علیه السلام بدین وسیله، زهیر را به شهادتی با وصف قطعه قطعه شدن پیکرش بشارت داده و به یقین و صبر بر سختی‌ها ستودند. و بشارت امام واقع شد آنجا که در مقتل ایشان، هنگام وداع با امام علیه السلام می‌خواند:

فدتک نفسی هادياً مهدياً \* الیوم نلقى جدک النبیا

انا زهیر و انا ابن القین \* اذّبکم بالسیف عن حسین

جانم را برایت فدا نمودم، هدایت‌گر و هدایت‌شده \* امروز جد تو پیامبر را ملاقات می‌کنیم

منم زهیر، منم فرزند قین \* شما را با شمشیر از حسین دور می‌کنم.

او را تیرباران کردند و گرداگرد او را شمشیر و نیزه گرفتند در حالی که آنان را از سرور خویش و یارانش، به خود مشغول نموده بود و پیکرش را تکه تکه و پاره پاره پیش می‌آورد. کثیر بن عبد الله شعبی با نیزه‌ای بر او زخم زد و دیگری با شمشیر به او ضربه زد و او را تکه تکه کردند. (۲) فسلام الله علیه حیاً و شهیداً و راجعاً و محضوراً و رزقنا الله شفاعته.

همچنین امام علیه السلام او را بشارت دادند که به محض کشته شدن، وارد بهشت می‌شود زیرا در روایات می‌خوانیم که آیات «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ \* بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» گفته می‌شود «وارد بهشت شو» می‌گوید: کاش مردمان من می‌دانستند \* که پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامیان قرار داد» (۳) درباره مؤمن آل فرعون است. (۴) بنابراین کشته شدن، تنها پلی بود که او با عبور از آن، وارد بهشت می‌شد. و زهیر نیز چنین بود.

مفضّل از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ اسْتَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ سَبْعَةً وَعِشْرِينَ رَجُلًا... وَ

مُؤْمِنَ آلِ فِرْعَوْنَ...

چون قائم آل محمد صلوات الله عليهم قیام کند، از پشت کعبه ۲۷ مرد را بیرون می‌آورد:

۱- تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۵۸.

۲- امالی صدوق: ص ۱۶۰.

۳- سوره یس صلی الله علیه و آله و سلم آیات ۲۷ و ۲۸.

۴- اوائل المقالات ص ۴۹.

ص: ۲۰

... و مؤمن آل فرعون... .

سپس به همراهانش گفت:

من أحبّ منكم الشّهادة، فليقم، و من کرهها، فليتقدّم.

هر کدام از شما که شهادت را دوست می دارد، برخیزد و هر کس نمی خواهد، پیش برود. (۱)

و در برخی دیگر از منابع آمده ... (۲)

هرچند بدون شک، یاران سیدالشّهداء علیه السّلام، در رجعت باز می گردند ولی امام علیه السّلام، بدین وسیله، زهیر را به بازگشتی ویژه بشارت می دهند.

### مواقف زهیر

جناب زهیر، مواقف بسیار زیبایی دارد، زهیر از هنگامی که بشارت سلمان را دریافت، در انتظار روز موعود بود چنان چه از گفته های او با همسرش و نیز همراهانش هویداست. او پیش از رسیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل، یعنی از همان ابتدا، زمانی که همه فکر می کردند پیروزی با امام حسین علیه السّلام خواهد بود، آنجا سخن از شهادت به میان می آورد، گویی خودش و حتی همسرش به خوبی از آنچه رخ خواهد داد، آگاهند:

در تاریخ آمده است: (پس از ملاقات با امام حسین علیه السّلام) به همسرش گفت:

أنت طالق، فتقدّمی مع أخیک حتّی تصلی إلی منزلك، فإنّی قد وُطئت نفسی علی الموت مع الحسین علیه السّلام.

تو آزادی، همراه با برادرانت پیش برو تا به خانه ات برسی زیرا من جانم را برای امام حسین علیه السّلام گذاشته ام.

است که پس از ملاقات کوتاه خویش با امام علیه السّلام، به یاران خویش فرمود:

من أحبّ منكم أن يتبعنی، و إلاّ فإنّه آخر العهد.

هر کس از شما می خواهد دنبال من بیاید و گرنه این آخرین دیدار است. (۳)

و در کتاب اللّهُوف نیز آمده است که به همسرش فرمود:

۱- الأخبار الطّوال: ص ۲۴۶.

۲- تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۳۲ ح ۹۰.

۳- انساب الأشراف: ج ۳ ص ۱۶۷-۱۶۸ و ۲۲۵، تاریخ طبری: ج ۵ ص ۳۹۶-۳۹۷، الکامل فی التّاریخ: ج ۳ ص ۲۷۷-۲۷۸. ارشاد مفید:

ج ۲ ص ۷۳-۷۴، روضه الواعظین: ص ۱۵۳.

ص: ۲۱

أنت طالق، فَإِنِّي لَا أَحَبُّ أَنْ يَصِيبَكَ بِسَبَبِي إِلَّا خَيْرٌ، وَ قَدْ عَزَمْتُ عَلَىٰ صَاحِبِهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَفْذِيهِ بِنَفْسِي، وَ أَقِيهِ بِرُوحِي.

تو آزادی، زیرا من دوست ندارم که از جانب من، جز خوبی به تو برسد زیرا به یقین تصمیم به همراهی حسین علیه السّلام دارم تا جانم را فدایش کنم و با روح خویش از او محافظت نمایم.

سپس مال او را به وی داد و او را به برخی از پسرعموهایش سپرد تا به خانواده اش برسانند. همسرش به سویی رفت و گریست و با او وداع کرد و عرض نمود:

كَانَ اللَّهُ عَوْنًا وَ مَعِينًا خَارَ اللَّهُ لَكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَذَكِّرَنِي فِي الْقِيَامَةِ عِنْدَ جَدِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ.

خدا یار و یاور باشد، خداوند آنچه خیر است برایت مقدر کند. از تو می خواهم که در روز قیامت، مرا نزد جدّ حسین علیه السّلام یاد کنی.

سپس زهیر به همراهانش فرمود:

مِنْ أَحَبِّ أَنْ يَصْحَبَنِي، وَ إِلَّا فَهُوَ آخِرُ الْعَهْدِ مِنِّي

هر کس دوست دارد مرا همراهی کند که در غیر این صورت، این آخرین دیدار است. (۱)

این موضع قاطع زهیر و حتی همسرش، نشان از علم و یقین ریشه دار آنان نسبت به امام علیه السّلام و اهداف و سرانجام ایشان است.

زهیر هنگامی که تصمیم می گیرد از همراهان خویش جدا شده و به امام حسین علیه السّلام بپیوندد، برای ایشان روایتی را از سلمان نقل کرده، می گوید:

غَزَوْتُ بَلَنْجَرَ وَ شَهِدْتُ فَتْحَهَا فَسَمِعْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَقُولُ: أَفْرَحْتُمْ بِفَتْحِ اللَّهِ لَكُمْ فَإِذَا ادْرَكْتُمْ شَبَابَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فِي رِوَايَةٍ سَيِّدِ شَبَابِ آلِ مُحَمَّدٍ فَكُونُوا أَشَدَّ فِرْحًا بِقِتَالِكُمْ مَعَهُمْ

در جنگ بلنجر حضور داشتم و شاهد فتح آنجا بودم، از سلمان فارسی رضی الله عنه شنیدم که می گفت: آیا از اینکه خداوند برای شما (این شهر را) گشود خوشحال هستید؟ هنگامی که جوانان آل محمد یا سرور جوانان آل محمد عليهم السّلام را دریابید، به سبب جنگیدن همراه با آنان، بیشتر خشنود باشید. (۲)

در برخی دیگر از کتب تاریخ مخالفین، ماجرا بدین شرح نقل شده است:

۱- - اللّهُوف: ص ۷۱-۷۳.

۲- - معجم ما استعجم: ج ۱ ص ۲۷۶، مقتل ابی مخنف: ص ۱۶۲.

ص: ۲۲

غزونا بلنجر، ففتح الله علينا، و أصبنا غنائم، فقال لنا سلمان الباهلي: أفرحتم بما فتح الله عليكم، و أصبتم من الغنائم؟ فقلنا: نعم. فقال لنا: إذا أدر كنتم شباب آل محمد، فكونوا أشد فرحا بقتالكم معهم منكم بما أصبتم من الغنائم [فأنا أستودعكم الله تعالى]... قال: ثم و الله ما زال في أول القوم حتى قتل. (۱)

و در إرشاد شيخ مفيد: ج ۲ ص ۷۳، روضه الواعظين فتال نيشابوري ج ۱ ص ۱۷۸ و مثير الأحزان علامه ابن نما حلی: ص ۲۳-۲۴ مانند آن با اندکی اختلاف آمده و در پایان می خوانیم:

قالوا: ثم و الله ما زال في القوم مع الحسين عليه السلام حتى قتل.

بنابراین زهیر، از زمانی بسیار دورتر، بیش از ۳۰ سال قبل، بشارت یافته که جوانان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را یاری خواهد کرد. او تنها در انتظار روز موعود بود تا به آرزوی خویش نائل شود و با این وجود، چطور ممکن است عثمانی باشد؟

در «ذی حسم» پیش از اینکه خبر شهادت مسلم بن عقیل بیاید، امام حسین علیه السلام خطبه ای ایراد فرمودند. زهیر برخاسته به همراهانش فرمود: شما حرف می زنید یا من حرف بزنم؟ گفتند: نه، شما حرف بزن. (معلوم می شود ایشان انسان وجیه و مقبول القولی است). سپاس و ستایش الهی گفت، سپس عرض کرد:

قد سمعنا هداك الله يا ابن رسول الله مقاتلك والله لو كانت الدنيا لنا باقيه و كنا فيها مخلصين إلا أن فراقها في نصرک و مواساتك لاثرنا الخروج معك على الإقامة فيها

خداوند تو را رهبر و راهنما باشد ای فرزند پیامبر خدا، فرمایش شما را شنیدیم، به خدا قسم اگر دنیا برای ما ماندنی بود و در آن جاویدان بودیم و یاری و همراهی با شما قرین جدایی از دنیا بود، به یقین پایداری در قیام همراه با شما را بر ماندن جاوید در دنیا مقدم می داشتیم.

راوی گوید: حضرت برای او دعا کرده و با خوشرویی با او سخن گفت. (۲)

حضرت سید الشهداء صلوات الله علیه در شب عاشورا خطبه ای ایراد نموده و می فرمایند:

فإني لا أعلم أصحاباً أوفى ولا خيراً من أصحابي ولا أهل بيت أبرّ وأوصل من أهل بيتي فجزاكم الله عنى خيراً

همانا من یارانی باوفاتر و بهتر از یارانم و خاندانی نیکوکارتر و مهربان تر از خاندان خودم

۱- تاریخ الطبری: ج ۵ ص ۳۹۶-۳۹۷. ر.ک: مقتل الحسين خوارزمی ج ۱ ص ۲۲۵. الكامل فی التاريخ: ج ۴ ص ۴۲.

۲- تاریخ طبری: ج ۴ ص ۳۰۴-۳۰۵. اللهوف: ص ۴۷، إِبصار العين: ص ۱۷۷.

سراغ ندارم، خدایتان از جانب من پاداش نیکو دهد. (۱)

هریک پاسخی دادند تا آنجا که زهیر بن القین از جا برخاست و عرض کرد:

و الله لو ددت انی قتلت ثم نشرت ثم قتلت حتى اقتل هكذا ألف مره و ان الله تعالى يدفع بذلك القتل عن نفسك و عن أنفس هؤلاء الفتیان من اهل بیتک.

به خدا سوگند دوست داشتم کشته شوم سپس زنده شده و دوباره کشته شوم تا جایی که هزار بار این چنین کشته شوم و خدای متعال بدین وسیله شما و این جوانان اهل بیت شما را از کشته شدن نگاه داری فرماید. (۲)

در تاریخ آمده است که ایشان در کربلا خدمت حضرت ابالفضل آمده و قضیه ازدواج مولا- امیرالمؤمنین و حضرت ام البنین علیهما السلام پدر و مادر ایشان را تعریف می کند:

... ای ابالفضل، بدان که به راستی پدرت امیرالمؤمنین، هنگامی که می خواست با مادرت ام البنین ازدواج کند، کسی را نزد برادرش عقیل فرستاد و او نسبت به نسب های عرب آگاه بود سپس فرمود: برادرم، از تو می خواهم زنی را برایم خواستگاری کنی که از میان دارندگان خاندان و دارای حسب و نسب (والا) و شجاعت باشد تا از او پسری شجاع و دلیر نصیبم شود که این پسر را یاری کند و با دست مبارک به سوی امام حسین علیه السلام اشاره فرمود تا او را در کربلا همراهی نماید. (زهیر در ادامه روایت خطاب به ابالفضل عرض می کند): پدرت تو را برای چنین روزی ذخیره نمود، بنابراین در دفاع از همسران برادرت و خواهران کوتاهی نکن. (۳)

چنان چه جناب زهیر عثمانی بود، هرگز در چنین درجه ای از قرب نسبت به مولی الموحّدین علیه السلام قرار نمی گرفت که بر اسرار ایشان مأمون باشد زیرا شخص خودش حدیث را نقل می کند و هیچ واسطه ای در بین نیست بنابراین توسط خود امیرالمؤمنین علیه السلام امین دانسته شده است. ابالفضل العباس علیه السلام نیز روایت را از جناب زهیر می پذیرد و این نشان از اعتماد ایشان نسبت به حدیث زهیر و آگاهی جناب زهیر نسبت به اسرار بیت امیرالمؤمنین علیه السلام است که آن را نزد خویش نگاه داشته بود.

۱- این بیان دلالتی روشن بر یگانگی و بی مانندی تک تک شهدای کربلاست.

۲- تاریخ طبری: ج ۴ ص ۳۱۸، روضه الواعظین: ص ۱۸۳، ارشاد مفید: ج ۲ ص ۹۲، إعلام الوری: ج ۱ ص ۴۵۶، اللّهوف: ص ۵۶، بحار الأنوار: ج ۴۴ ص ۳۱۶ و... ر.ک: امالی صدوق: ص ۲۲۰.

۳- اسرار الشّهاده ص ۲۱۸.

در تاریخ آمده است: هنگامی که حبیب به شهادت رسید، شکستگی در چهره امام حسین علیه السلام هویدا شد. سپس فرمود: «پاداش تو با خدا باشد ای حبیب، فرزانه ای بودی که در یک شب، قرآن را ختم می کردی». زهیر بن القین، به سوی ایشان رفت و عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت ای فرزند پیامبر خدا، این شکستگی که در چهره شما می بینم، چیست؟ آیا نمی دانی ما بر حق هستیم؟ فرمود: بله سوگند به خداوند آفریدگان، همانا به علم و یقین می دانم که من و شما بر مسیر حق و هدایت هستیم. زهیر عرض کرد: در این صورت نمی ترسیم وقتی به سوی بهشت و نعمت های آن روان می شویم. (۱) و این مقام، مقام مواسات با امام و مرهم نهادن بر زخم قلب ایشان، مقامی والا و رتبه ای بی مانند است که جناب زهیر نشان آن را دریافت نمود.

جناب زهیر بن القین، در هنگام وداع، دست بر روی شانه اباعبدالله علیه السلام نهاده و بر پشت ایشان زد، گذشته از اینکه چنین اقدامی نشان دهنده اوج نزدیکی ایشان به امام است و به گذشته ای طولانی و با معرفت بازمی گردد، اشعاری نیز زمزمه فرموده، در ضمن آن، امام حسین علیه السلام را به شتاب برای شهادت و پیوستن به خودش دعوت می کند، طوری که از سر ایمان و یقین، محلّ گرد آمدن دوباره را، بهشت پروردگار می بیند. (۲)

### آخرین بار...

از جمله کسانی که امام حسین علیه السلام در هنگام تنهایی خویش صدا زدند، زهیر است آن هنگام که به راست و چپ می نگریست و هیچ یک از یارانش را ندید مگر اینکه پیشانی اش بر خاک افتاده بود و مرگ صدایش را بریده بود، ندا داد:

یا مسلم بن عقیل! و یا هانی بن عروه! و یا حبیب بن مظاهر! و یا زهیر بن القین! و یا یزید بن مظاهر! و یا فلان و یا فلان! یا أبطال الصّیفا! و یا فرسان الهیجا! ما لی أنادیکم فلا- تجیون، و أدعوکم فلا تسمعون، أنتم نیام، أرجوکم تنتبهون، أم حالت موذتکم عن إمامکم، فلا تنصروه، هذه نساء الرّسول صلّى الله علیه و اله لفقدکم قد علاهنّ النّحول، فقوموا عن نومتکم أيها الکرام، و ادفعوا عن حرم الرّسول الطّغاه اللّثام، و لکن صرعکم و الله ریب المنون، و غدر بکم الدّهر الخئون، و إلّا لما کنتم عن نصرتی تقصّرون، و لا عن دعوتی تحتجبون، فها نحن علیکم مفتجعون، و بکم لاحقون، فإنّا لله و إنّا إلیه راجعون.

۱- مقتل ابی مخنف: ص ۱۴۷. فرسان الهیجا: ج ۱ ص ۲۰۱. ر.ک: ینابیع المودّه: ج ۳ ص ۷۱.

۲- تاریخ طبری: ج ۴ ص ۳۶۶، مقتل الحسین خوارزمی: ج ۲ ص ۲۴.

ص: ۲۵

ای مسلم بن عقیل و ای هانی بن عروه، ای حبیب بن مظاهر و ای زهیر بن القین، ای یزید بن مظاهر، ای فلانی ای فلانی. ای پهلوانان پاک و ای سواران عرصه پیکار، چه شده شما را صدا می‌کنم پاسخ نمی‌دهید و شما را می‌خوانم و به من گوش فرا نمی‌دهید؟ خوابیده‌اید؟ آرزومندم که بیدار شوید. نکند دوستی شما نسبت به امامتان دگرگون شده که او را یاری نمی‌کنید؟ این زنان حرم رسول الله صلی الله علیه و آله هستند که به خاطر از دست دادن شما (در هراس افتاده) ناتوان شده‌اند، از خواب خویش برخیزید ای گرامیان و سرکشان پست و پلید را از حرم پیامبر برانید، لکن (چنین نیست که پاسخ ندهید بلکه) به خدا سوگند کشته شدن شما پیشامد دوران بوده و روزگار خیانت کار به شما نیرنگ زد که در غیر این صورت هرگز در یاری من کوتاهی نمی‌کردید و از دعوت من خود را پوشیده نمی‌داشتید، این ما هستیم که به سبب شهادت شما، مصیبت زده ایم و به شما می‌پیوندم «فإنّا لله و أنا الیه راجعون».

سپس این اشعار را سرودند:

قَوْمٌ إِذَا نُودُوا لِدَفْعِ مُلْمَئِهِ \* وَالْخَيْلُ بَيْنَ مَدْعَسٍ وَمُكْرَدَسٍ

لِئَسُوا الْقُلُوبَ عَلَى الدُّرُوعِ وَأَقْبَلُوا \* يَتَهَفَّتُونَ إِلَيَّ ذَهَابِ الْأَنْفُسِ

نَصَرُوا الْحُسَيْنَ فَيَا لَهَا مِنْ فِتْنِهِ \* عَافُوا الْحَيَاةَ وَأَلْبَسُوا مِنْ سُنْدُسِ

آنان کسانی هستند که هرگاه برای دفع گرفتاری خوانده شوند، در برابر دشمنانی که گروهی از آنها نیزه دار و گروه دیگر، در صف فشرده با اسلحه آماده شده‌اند، دل‌های خود را بر روی زره‌ها می‌پوشند و جان بر کف و شتابان به سوی نثار جان می‌روند، حسین را یاری کردند، چنان جوانان برومندی که زندگانی را رها کردند و لباس‌های ابریشم در بر گرفتند. (۱)

### باران راستین با ویژگی‌های مخصوص

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسِيرُ بِالنَّاسِ، حَتَّى إِذَا كَانَ مِنْ كَرْبَلَاءَ عَلَى مَسِيرِهِ مِيلٌ أَوْ مِيلَيْنِ، فَتَقَدَّمَ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ، حَتَّى إِذَا صَارَ بِمَصَارِعِ الشُّهَدَاءِ قَالَ: قُبِضَ فِيهَا مَائَتَا نَبِيٍّ وَمَائَتَا وَصِيٍّ وَمَائَتَا سَبْطِ شُهَدَاءِ بِأَتْبَاعِهِمْ فَطَافَ بِهَا عَلَيَّ بَعْلَتِي خَارِجًا رِجْلَيْهِ مِنَ الرِّكَابِ وَأَنْشَأَ يَقُولُ: مُنَاخُ رِكَابٍ وَمَصَارِعُ شُهَدَاءَ لَا يَسْبِقُهُمْ مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ وَلَا يَلْحَقُهُمْ مَنْ كَانَ بَعْدَهُمْ.

۱- مقتل ابی مخنف: ص ۸۵، معالی السبطين: ج ۲ ص ۱۹-۲۰.



امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام از خانه خارج شدند و در میان مردم حرکت کردند، تا وقتی که فاصله ایشان تا کربلا یک میل و یا دو میل بود، در میان ایشان از همه جلوتر رفتند تا وقتی که به محلّ شهادت شهدای کربلا رسیدند، فرمودند: در این سرزمین ۲۰۰ پیامبر و ۲۰۰ نفر از جانشینان پیامبران از دنیا رفته اند و ۲۰۰ پیامبرزاده همراه با پیروانشان در این مکان شهید شده اند. پس از این کلام، در حالی که روی قاطر بودند و پای مبارک از رکاب بیرون آورده بودند، آن مکان را طواف کرده و در حین طواف می فرمودند: محلّ خواباندن مرکب هایی و محلّ شهادت شهدایی که کسانی که پیش از آنها بودند بر آنها پیشی نگرفتند و کسانی که پس از ایشان هستند نیز هرگز به ایشان نخواهند پیوست. (۱)

به این حدیث خطبه امام حسین علیه السلام را نیز اضافه کنید که در شب عاشورا برای اهل بیت و اصحاب خویش ایراد فرمودند تا به خوبی روشن شود که اصحاب اهل بیت سیدالشهداء علیهم السلام هیچ یک نظیر نداشته و نخواهند داشت؛ کسانی که در کربلا با امام بودند، منتخب الهی هستند تا جایی که یک نفر از آنان کم و یا به آنان اضافه نمی شد.

اصحاب امام حسین علیه السلام، اختصاصاتی داشتند که در زیارت های شهدای کربلا که در اوقات مختلف خوانده می شود، به این نشانه ها و ویژگی های تصریح و دلالت شده است. معصوم علیه السلام خطاب به شهدای کربلا می فرماید:

بَابِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي طِبْتُمْ وَ طَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ

پدر و مادرم به فدای شما، پاک شدید و پاک شد زمینی که شما در آن دفن گشته اید. (۲)

تفدیه معصوم و شهادت معصوم علیه السلام، شاهدی محکم بر مقام عصمت ذاتی ایشان است البته تعابیری که این نتیجه را در بر داشته باشد، بسیار است چنان چه در زیارات عامه شهداء، مکرر می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ أَحِبَّاءَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَ أَوْدَاءَهُ

- ۱- تهذیب طوسی: ج ۶ ص ۷۲ ب ۲۲ ح ۷، الخرائج و الجرائح: ۱/۱۸۳ ب ۲، وسائل الشیعه: ج ۱۴ ص ۵۱۶ ب ۶۸ ح ۱۹۷۲۴.
- ۲- مصباح المتهدّج: ج ۲ ص ۷۲۳. المزار الکبیر ابن المشهدی: ص ۴۶۵. بلد الامین: ص ۲۹۰. إقبال الأعمال: ج ۱ ص ۳۳۵. مصباح کفعمی: ص ۵۰۳. المزار شهید اول: ص ۱۲۹ فصل ۴ و ص ۱۷۶.

ص: ۲۷

و در زیارتی دیگر می خوانیم:

أَشْهَدُ أَنْكُمْ النَّجَاءُ وَ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَنْتُمْ السَّابِقُونَ وَالْمُجَاهِدُونَ، أَنْتُمْ خَيْرُهُ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فُرْتُمْ وَاللَّهُ فُرْتُمْ وَاللَّهُ فُرْتُمْ... إِنَّكُمْ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى... أَنْتُمْ الصَّادِقُونَ... أَشْهَدُ لَقَدْ كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ... السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا شِيعَةَ اللَّهِ... السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَهْدِيُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَبْرَارَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرِينَ مِنَ الدَّنَسِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّابُّونَ عَنْ تَوْحِيدِ اللَّهِ...

این ها مقاماتی بس رفیع و عظیم و شاهی دیگر بر مقام عصمت ذاتی ایشان است، برخی از این تعابیر درباره پیامبران وارد شده است.

معصوم علیه السّلام بی حساب به کسی سلام نمی دهد مگر اینکه طیب نفس، طیب ذات داشته باشد و همه شهدای کربلا و به خصوص جناب زهیر بن القین در زیارات بسیاری در سلام معصوم واقع شده اند از جمله در زیارت ناحیه شهداء که از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است:

السَّلَامُ عَلَيَّ زُهَيْرِ بْنِ الْقَيْنِ الْبَجَلِيِّ الْقَائِلِ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ أذِنَ لَهُ فِي الْإِنصَافِ: لا- وَاللَّهِ لَا يَكُونُ ذَلِكَ أَبَدًا، أَتْرُكُ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَسِيرًا فِي يَدِ الْأَعْدَاءِ وَأَنْجُو، لَا أَرَانِي اللَّهَ ذَلِكَ الْيَوْمَ.

سلام بر زهیر بن القین البجلی در حالی که به او اجازه پشت کردن و رفتن دادند به امام حسین علیه السّلام عرض کرد: نه به خدا سوگند، هرگز چنان نخواهد بود. فرزند پیامبر خدا را گرفتار در دست دشمنان رها کنم و خود رهایی یابم؟ خدا هرگز آن روز را به من نشان ندهد.

## نتیجه

با توجه به این فرازها، با درک این مرتبه از معرفت، در می یابیم که نسبت دادن عثمانی بودن به جناب زهیر بن القین، هیچ وجهی نداشته بلکه ایشان، یکی از سرداران بسیار عظیم الشان در لشکر سیدالشهداء علیه السلام هستند.

هیچ نقلی از هیچ یک از ائمه علیهم السّلام، چه آنان که با زهیر معاصر بودند و چه سایر ائمه، روایت نشده است که عثمانی بودن زهیر را ولو در عقیده اش اثبات کند و یا بیان گر کراهت ایشان از رویارویی با امام حسین علیه السلام باشد.

هیچ نقلی وجود ندارد که نمایان گر توبه جناب زهیر باشد، اینکه ایشان نزد امام آمده و درخواست بخشش و بازگشت نموده باشد، یا امام توبه وی را پذیرفته باشند، یا در جایی شخص جناب زهیر

ص: ۲۸

حکایت کند که من توبه کردم و هدایت شدم و در گذشته عمر خویش را تباه نمودم و عقیده ام فاسد بود... و آنچه در میان مردم در این باره مشهور است، هیچ اصل و سندی ندارد.

ناگفته نماند که اگر جناب زهیر پیش از ملاقات با امام حسین علیه السلام، عثمانی بود، سزاوار بود که لشکر ابن زیاد او را به دلیل جنگیدن در رکاب امام علیه السلام، سرزنش نموده و گذشته اش را یادآور شوند ولی هیچ کجا چنین چیزی ولو مرفوع یا مجهول یا مرسل، نقل نشده است.

بنابراین بیان عثمانی بودن زهیر پیش از پیوستن به سیدالشهداء علیه السلام، تنها در یک خبر آن هم با شرحی که گذشت از زبان کسی معلوم الحال، بیان شده و این ها به هیچ عنوان دلیل بر عثمانی بودن جناب زهیر نمی شود.

طبری از مقتل ابی مخنف نقل کرده و ۲ راوی برای آن آورده است، فرض می کنیم این روایت صحیح باشد، نباید هشیاری به خرج بدهیم؟ و کمی تفحص کنیم تا تهمت دشمن را بر سر علم ننموده و بر فراز قرار ندهیم؟ جناب زهیر بن القین سلام الله علیه از اول علوی بود لکن مانند حضرت مؤمن آل فرعون و ابوطالب علیهما السلام شدید التقیه بوده و از همراهانش، تنها پسرعموی او همراهش آمد و چنان چه خواندیم بقیه عثمانی بودند و نسبت عثمانی نیز تهمتی بود که از جانب دشمن پلید به ایشان بسته شد.

ترویج این باور، ستم به اباعبدالله علیه السلام است زیرا عثمانی بودن، گناهی بس عظیم است و نسبت دادنش به یاران راستین اهل بیت علیهم السلام، گناهی بس سخیف تر.

و السلام علی من اتبع الهدی

و الحمد لله رب العالمین

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

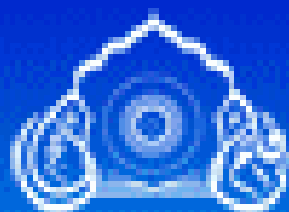
ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

